

آینده انقلاب اسلامی و منازعات آینده جهان

محمد رحیم عیوضی*

چکیده

آینده پژوهی، فرایند معرفی مجموعه‌ای از چشم اندازها و راه‌های ممکن برای ساختن آینده است. درک مناسب این چشم‌اندازها، تصمیم‌گیری درباره این که امروز چه تصمیماتی را می‌توان برای ساختن فردایی بهتر اتخاذ کرد، تسهیل می‌کند. نیاز به چشم انداز از این حیث حایز اهمیت است که انقلاب اسلامی نه تنها در عرصه داخلی تأثیرگذار بوده، بلکه بازتاب‌ها و اثرات فراوانی را بر مناسبات بین‌المللی بر جای گذاشته و باعث ایجاد تغییراتی در نوع نگرش‌ها، ساختارها و شکل‌گیری جریان‌های فکری در سطح بین‌الملل شده که این چالش‌ها به نوبه خود زمینه‌ای برای ایجاد فرصت و یا تهدیدی برای انقلاب فراهم آورد و مبنایی برای فهم ما از منازعات آینده ایران شد. لذا سؤال اساسی این است که انقلاب اسلامی با ماهیت دینی و رویکرد جهانی خود و شرایط ویژه‌ای که در این سه دهه در قبال مسایل منطقه‌ای و جهانی به دست آورده است در آینده با چه چالش‌هایی مواجه خواهد بود.

واژگان کلیدی

آینده پژوهی، انقلاب اسلامی، منازعات آینده، چالش، چشم انداز.

*. دانشیار دانشگاه بین المللی امام خمینی (ع.ج.ا.ع).

مقدمه

در فرایند شکل‌گیری انقلاب اسلامی، همگام با اراده ملت ایران، هدایت و رهبری امام، سبب شد تا انقلاب اسلامی با مختصات اصیل اسلامی، آستانه ورود به قرن ۲۱ را با تحول عظیمی روبرو سازد. لذا در دو دهه پایانی قرن، جامعه جهانی با تغییرات بنیادینی مواجه بود که موجب تضعیف قدرت‌های جهان شد. تشکیل دولت اسلامی در قرن بیستم، حرکت عظیمی در بین مسلمانان و همه آزادگان جهان ایجاد کرد و نشان داد که اسلام برای انسان و جامعه، ملاک‌ها و استانداردهای خاصی قرار داده و انقلاب اسلامی در بوته آزمون حرکت عظیم ملت ایران، بهترین دستاورد را که همانا مطالبه قدرت به معنای مطالبه معنویت و تجدید حیات دینی است، به دست آورده است. آرمان‌های انقلاب اسلامی که در قلمروهای مختلف در عصر حاضر زمینه ایجاد دگرگونی‌های فراوانی را ایجاد کرده است، ریشه در دین و آموزه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن دارد. بدیهی است که انقلاب اسلامی در شرایط و مقتضیات پس از پیروزی و به علت میزان تأثیرگذاری بر روندهای منطقه‌ای - بین‌المللی با مشکلات و مسایل متعددی روبرو بوده است که یا ریشه در فرهنگ غیر بومی و تهاجمی غرب دارد و یا منتج از اوضاع پس از انقلاب است. باید اذعان داشت که جمهوری اسلامی به مثابه یک نظام سیاسی مبتنی بر آرمان‌های الهی - مردمی و با هدف صیانت از دستاوردهای انقلاب در قلمروهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی با چالش‌های داخلی و خارجی مواجه بوده است. بروز این چالش‌ها و نحوه رویارویی جمهوری اسلامی با آنها، ماهیت رویکرد به آینده و وضعیت‌های آینده انقلاب در رابطه با نظام جهانی را ترسیم می‌کند. باید متوجه بود که انقلاب در آینده با وضعیت‌های محتمل ناشی از چالش‌های کنونی و یا چالش‌های پیش‌بینی نشده مواجه خواهد بود که ماهیت منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را در آینده نشان می‌دهد. بر همین اساس، سؤال این مقاله چنین خواهد بود که «با توجه به مطالعات معطوف به آینده و روش‌های آن، ماهیت منازعات آینده جهانی منتج از

چالش‌های پیش روی انقلاب اسلامی، چگونه قابل پیش بینی و تجزیه و تحلیل خواهد بود.»

مقدمه‌ای بر جایگاه آینده پژوهی

اشتقاق بشر برای آگاهی از آینده، سابقه‌ای به اندازه عمر بشر دارد. به عنوان مثال، پیشگویان و کاهن‌ها همواره تلاش داشتند به نحوی پاسخگوی این اشتیاق در نزد خاص و عام باشند.

اگرچه همیشه «آینده‌پژوهانی» وجود داشته‌اند که به آینده و شیوه‌های بهتر درک تغییر می‌اندیشده‌اند، ولی زمان شکل‌گیری رشته «آینده‌پژوهی» که ماهیتی کاملاً «بین‌رشته‌ای» دارد، در خلال جنگ جهانی دوم و دوران پس از آن بود. آینده‌پژوهی از دهه شصت آغاز شد و به‌عنوان یکی از رشته‌های جدید علوم، پایه‌ریزی شد.

(<http://www.futureresearch.org>)

دهه معروف ۱۹۶۰، دهه پیدایش سازمان‌های آینده پژوهی در گوشه و کنار جهان بود. در آغاز قرن بیست و یک، باید از نویسندگانی مانند یونجی ماسودا (استاد ژاپنی علوم اطلاعات) و پاول کندی (استاد تاریخ و نویسنده کتاب آمادگی برای قرن بیست و یک) نام برد. در واقع باید اذعان داشت که بیشتر نویسندگان در قرن اخیر توانسته‌اند با تبیین اصول و موضوعات این علم، راهی نو در برابر آینده پژوهان در آینده بگسترانند. (همان)

در سال ۱۹۹۹ طرحی بی‌سابقه از سوی فدراسیون جهانی آینده‌پژوهی به اجرا درآمد و طی آن از گروهی از اندیشمندان فعال در عرصه آینده پژوهی دعوت شد تا علاوه بر تعریف استانداردهای حرفه‌ای آینده‌پژوهی، مشخص کنند چه کسانی را می‌توان آینده‌پژوه نامید. در این کوشش، آینده پژوهان مشهوری مانند: «وندل بل» و «ریچارد اسلاوتر» مشارکت داشتند. (اسلاتر، نوآندیشی برای هزاره نونین: ۱۱ و ۱۲)

در تعریف آینده پژوهی می‌توان به اختصار چنین گفت: «شناسایی موقعیت‌های ناسازگار،

تدوین سیاست‌ها، شکل دهی راهبردها و مطالعه و بررسی بازارها، محصولات و خدمات جدید.»

به طور کلی برای مطالعه در مورد آینده، اهداف مختلفی ذکر کرده‌اند که برخی از آنها به طور خلاصه عبارتند از:

۱. تهیه و تنظیم قواعدی برای تحولاتی که در آینده اتفاق می‌افتد و بر اساس آینده‌شناسی قابل پیش بینی هستند.

۲. شناخت و درک صحیح از مسایل نوظهور و جدید و نحوه برخورد و یا مقابله با آنها.

۳. انجام برنامه‌ریزی بلند مدت و کوتاه مدت و پیشگیری از نتایج زیان بار رویدادهای پیش بینی نشده.

۴. پرهیز از گام نهادن در محیط پرخطر و ناشناخته آینده.

۵. پذیرش و درک اهمیت ایده‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های مثبت گذشته و حال در خلق و ایجاد آینده در جهان برتر.

۶. پدید آوردن نگرشی سیستماتیک و منظم و منطقی به تحولات آتی که در زندگی انسان‌ها اثر مستقیم دارد. (Slaughter, R. New Thiking for a New Millennium.) (1996)

در این مقاله سعی خواهد شد در چارچوب مطالعات آینده، با توجه به تحولات سه دهه انقلاب اسلامی و چالش‌های آن، ماهیت رویارو و منازعات آینده بررسی شود.

مروری بر تجربه‌های آینده پژوهی

همان طور که اشاره شد، تفکر درباره آینده برای اعمال و اقدام‌های کنونی انسان، امری ضروری است؛ چرا که عمل، نیاز به پیش‌بینی دارد. بدین ترتیب، تصویرهای آینده (آرمان‌ها، اهداف، مقاصد، امیدها، نگرانی‌ها و آرزوها) پیشران‌های اقدامات فعلی کشورها هستند. بنابراین، آینده امری است که دولت‌ها می‌توانند آن را با اقدامات هدفمند خود

طراحی کرده و شکل دهند. آنها برای آن که عاقلانه عمل کنند، بایستی نسبت به پیامدهای اقدامات خود و دیگران آگاهی و شناخت کافی داشته باشند. همچنین واکنش‌های دیگران و نیروهایی که خارج از کنترل آنهاست را بررسی کنند. این پیامدها تنها در آینده خود را در قالب فرصت، تهدید و آسیب نشان می‌دهد. بدین ترتیب، کشورها نه تنها می‌کوشند امور در حال وقوع را بفهمند، بلکه می‌کوشند اموری را که شاید اتفاق بیفتد یا بالقوه امکان وقوع دارد و یا تحت شرایط خاصی در آینده اتفاق خواهد افتاد را نیز بررسی کنند. بر این اساس، کشورهایی که زودتر کار آینده پژوهی را شروع کرده و یا سال‌هاست که آینده پژوهی به عنوان یک رشته در دانشگاه‌ها و یا مراکز و مؤسسه‌های تخصصی آینده پژوهی آنها تدریس می‌شود، توانسته‌اند از این رشته جهت بهره برداری بهتر و مطلوبتر برای آینده و یا مقابله با چالش‌های احتمالی، استفاده کنند.

بنابراین طی سال‌های اخیر از سوی کشورها و نهادها و مؤسسات ملی و بین‌المللی، تحقیقات آینده پژوهی در دو بعد ملی و بین‌المللی صورت گرفته است. در اینجا به مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته آینده پژوهی در دو بعد ملی و بین‌المللی می‌پردازیم:

الف) آینده پژوهی‌های ملی

۱. طراحی آینده جهان (پروژه ۲۰۲۰): گزارش شورای اطلاعات ملی آمریکا که بر اساس مشاوره با کارشناسان غیر دولتی سراسر جهان و توسط مؤسسه بین‌المللی NIC در سال ۲۰۰۴ صورت گرفته است.

۲. امنیت اروپا در سال ۲۰۲۰، تهدیدها، چالش‌ها و واکنش‌ها: این پژوهش در مارس ۲۰۰۸ توسط دکتر استفان پالینجر و از سوی مؤسسه ISIS به انجام رسیده است.

۳. چین و جهان؛ سناریوهای سال ۲۰۲۵: این پژوهش در سال ۲۰۰۷ انجام شده است.

۴. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و جهان: سناریوهای سال ۲۰۲۵.

۵. آلمان ۲۰۲۰: چشم اندازه‌های آینده برای اقتصاد آلمان.

۶. هند و جهان: سناریوهای سال ۲۰۲۵.
۷. چشم انداز سال ۲۰۲۰ هند: طرح کمیسیون دولتی دهلی نو.
۸. اهداف اقتصادی استراتژیک و نقش همگرایی بین‌المللی در طرح سال ۲۰۲۰ روسیه: این پروژه در ژولای ۲۰۰۸ توسط مؤسسه CSIS انجام شده است.
۹. روسیه و جهان: سناریوهای سال ۲۰۲۵.
۱۰. پادشاهی عربستان سعودی و جهان: سناریوهای سال ۲۰۲۵.
۱۱. ترکیه سال ۲۰۲۰: ژانویه ۲۰۰۵ انجام شده است.
۱۲. شاخص‌های اصلی و جایگاه جهانی ترکیه در سال ۲۰۲۳: این کار توسط مطالعات استراتژیک این کشور انجام شده است.
۱۳. امارات متحده عربی و جهان: سناریوهای سال ۲۰۲۵.

ب) آینده پژوهی‌های بین‌المللی

- در بعد بین‌المللی هم آینده پژوهی بر اساس نیازهای جامعه جهانی انجام شده است. تعداد این پژوهش‌ها زیاد است اما در این جا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد:
۱. روندهای جهانی سال ۲۰۱۵، گفتگو در مورد آینده با کارشناسان غیر دولتی: این پژوهش در دسامبر ۲۰۰۰ توسط مؤسسه NIC انجام شده است.
 ۲. روندهای جهانی سال ۲۰۲۰: این کار هم توسط مؤسسه NIC در سال ۲۰۰۵ انجام شده است.
 ۳. سناریوهای جهانی سال ۲۰۲۵: این پروژه توسط مؤسسه بین‌المللی NIC به انجام رسیده است.
 ۴. برنامه استراتژیک روندهای جهانی سال ۲۰۰۷ - ۲۰۳۶: این پژوهش در سال ۲۰۰۷ توسط وب سایت DCDC انجام شده است.
 ۵. محیط امنیتی سال ۲۰۲۵: گزارش Workshop که توسط گروه برنامه‌ریزی

استراتژی بلند مدت از سوی جاکویلین نیومایر و استفان روزن در مارس ۲۰۰۸ به انجام رسیده است.

۶. روندهای جهانی سال ۲۰۲۵: یک جهان متحول شده که در نوامبر ۲۰۰۸ توسط مؤسسه بین‌المللی NIC به انجام رسیده است. (Global Trends 2025: A (Transformed World, , pp.18-21

آنچه بیان گردید، نمونه تحقیقات انجام شده در حوزه آینده پژوهی در دو سطح ملی و بین‌المللی بود که اهمیت بحث منازعات جهان پیش روی جمهوری اسلامی در مطالعات آینده را نشان می‌دهد. در واقع تجارب مذکور و به وقوع پیوستن پیش‌بینی‌های هر حوزه از احتمالات نشان می‌دهد که درک ما از ماهیت تحولات معطوف به آینده در عرصه مطالعات انقلاب اسلامی نیز نیاز جدی و اساسی به شمار می‌آید که این امر مهم، امروزه نیز در دستور کار مطالعاتی مراکز مذکور قرار دارد.

تعاریف و مفاهیم

آینده پژوهی: عبارت است از توانایی ایجاد و حفظ یک چشم‌انداز جامع و علمی از آینده و استفاده از این چشم‌انداز برای اتخاذ برنامه‌های مفید در حوزه‌های مورد نظر (دی‌تور، آینده‌پژوهی به عنوان دانشی کاربردی: ۱۰۱ - ۱۰۳)

چالش‌ها: مسایلی هستند که زمینه تبدیل شدن به فرصت و تهدید را دارند. در حقیقت، مسایل در چالش‌ها دیده می‌شود و جامعه‌ای که چالش ندارد مسأله ندارد. در واقع، چالش‌ها را می‌توان همان مسایل در نظر گرفت. چالش‌ها تبدیل به فرصت و یا تهدید می‌شوند و حاصل چالش‌ها تحول است.

فرصت: وضعیتی است که در آن، سیستم اجتماعی، چالش به وجود آمده را حل کرده و توان هدایت آن را در راستای منافع خود دارد. به عبارت دیگر، فرصت‌ها بستر هدایت چالش‌های پیش رو به سمت جلب منافع و دستاوردها برای آن است

تهدید: بستر چالشی است که حل نشده باقی مانده و امکان تبدیل به آسیب یا ایجاد محیط بحران را دارد.

بحران: بستر زمانی قبل از آسیب است و در پی بحران، آسیب را به دنبال خواهیم داشت.

چالش

یکی از عمده‌ترین مسائلی که در مطالعات انقلاب اسلامی مورد توجه است، مسأله ساختار نظام بین‌الملل می‌باشد. در حقیقت، تحلیل آینده انقلاب اسلامی از ساختار نظام بین‌الملل و بررسی منازعات جهانی و واکنش قدرت‌های بزرگ نسبت به انقلاب اسلامی می‌تواند موضوع چالش‌های آینده باشد.

برای فهم بهتر این موضوع، لازم است تا دهه چهارم انقلاب با توجه به جایگاه ایران در نظام بین‌المللی - منطقه‌ای منازعات و تحولات کنونی بررسی شود. انقلاب اسلامی ایران نه تنها در عرصه داخلی تأثیرگذار بود، بلکه بازتاب‌ها و اثرات فراوانی را بر مناسبات بین‌المللی بر جای گذاشت و باعث ایجاد تغییراتی در نوع نگرش‌ها، ساختارها و شکل‌گیری جریان‌های فکری در سطح بین‌الملل شد که این چالش نیز به نوبه خود زمینه‌ای برای ایجاد فرصت و یا تهدید برای انقلاب فراهم آورد و مبنایی برای فهم ما از منازعات آینده ایران شد.

در تحلیل تحولات و منازعات ایران در آینده، باید سیاست کلی نظام بین‌الملل و رقابت‌های منطقه‌ای و نیز تحولات داخلی کشورها را در نظر داشت. همچنین در تحلیل آن، استراتژی هر یک از قدرت‌ها در جهان و به ویژه منطقه و ایران را بررسی کرد تا بر اساس آن به تبیین ماهیت منازعات آینده انقلاب پرداخت.

ماهیت منازعات آینده

با توجه به پیشرفت دانش و تکنولوژی، دستیابی دولت‌ها به توانمندی‌های تسلیحاتی پیشرفته و تغییرهایی که در محیط امنیتی کشورها و نظام بین‌الملل ایجاد شده است، ماهیت ستیزها و منازعات نیز متحول شده است. در این جا به مهم‌ترین جنبه‌های متحول شده منازعات آینده اشاره خواهد شد:

۱. اهمیت روزافزون اطلاعات

الف) شکل‌گیری سلاح‌های جنگی پیشرفته با دقت بالا

پیشرفت تکنولوژی اطلاعاتی، باعث شکل‌گیری سلاح‌های جنگی پیشرفته با دقت بالا، بهبود توانمندی‌های هدف‌گیری و نظارت و دیده‌بانی، فرماندهی و کنترل بهتر و استفاده بیشتر از روبات‌های اطلاعاتی خواهد شد. با توجه به نقش تأثیرگذاری که فناوری‌های اطلاعاتی در قابلیت‌های جنگی مدرن خواهند داشت، پیش‌بینی می‌شود که خود موضوع اطلاعات، هدف عمده منازعات آینده باشد. احتمالاً برخی از کشورها تا سال ۲۰۲۵ از سلاح‌هایی استفاده می‌کنند که برای تخریب و نابودی سیستم‌ها و شبکه‌های اطلاعاتی، حس‌گرها و سیستم‌های ارتباطی طراحی شده اند؛ مانند سلاح‌های ضد ماهواره، ضد رادیو فرکانس و سلاح‌های لیزری. (www.cic.nyu.edu)

ب) تحول در توانمندی کشورها و پتانسیل‌های جنگی غیر متعارف

از ویژگی‌های مهم و اساسی منازعات در سال ۲۰۲۵ استفاده دولت‌ها و بازیگران غیردولتی از تاکتیک‌های جنگی غیر معمول به عنوان راهکار جنگی در مواجهه با نیروهای نظامی پیشرفته خواهد بود. تکنولوژی‌های ارتباطی پیشرفته همچون ماهواره، اینترنت، تلفن همراه، روش‌های جدید تجاری و سیستم‌های اطلاعاتی با ظرفیت بسیار بالا که حجم قابل توجهی از متون، نقشه و تصاویر دیجیتالی و فیلم را در خود جای می‌دهند، به

شکل گسترده‌ای نیروهای غیرمتعارف را قادر می‌سازد تا بتوانند عملیات‌های مخربی را سازماندهی کرده و در این امر از هماهنگی و انسجام بیشتری برخوردار باشند. همچنین پیش‌بینی می‌شود که امکان جلوگیری از گسترش ستیزها در آینده بسیار مشکل است. پیشرفت و گسترش قابلیت‌های هسته‌ای (مانند سلاح‌های با برد طولانی و دقت بالا) و تولید مداوم سلاح‌های کشتار جمعی و استفاده از اشکال نوین جنگی مثل جنگ مجازی یا جنگ فضایی، ابزارهایی را در اختیار نظامیان دولت‌ها و گروه‌های غیر دولتی قرار می‌دهد که می‌توانند منازعات آینده را فراتر از عرصه‌های جنگ سنتی گسترش دهند. (Global Trends 20)

۲. علم و تکنولوژی

در سال ۱۹۸۵ کمتر کسی می‌توانست تأثیرات انقلاب در تکنولوژی اطلاعات را پیش‌بینی کند. اما تکنولوژی اطلاعات به عنوان سنگ بنای تحولات اساسی در عرصه بین‌الملل و افزایش قدرت بازیگران غیر دولتی عمل کرد. سناریوهای محتمل درباره آینده علم و تکنولوژی بدین شرح می‌باشد:

الف) ادغام انقلاب کنونی در تکنولوژی اطلاعات با بیوتکنولوژی، مواد و نانو تکنولوژی موجب افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در بخش تکنولوژی خواهد شد که این خود، موجبات افزایش انگیزه نوآوری در کشورهای توسعه یافته را فراهم خواهد کرد. این مسأله اساسی در آینده انقلاب اسلامی، بستر ساز یکی از مهم‌ترین منازعات به شمار می‌آید. توجه به نهضت تولید علم و نظریه‌سازی در برنامه چشم انداز بیست ساله و تأکید بر تحقق آن از سوی مسئولین و نخبگان، در ترسیم وضعیت مقتدرانه ایران در آینده مؤثر است.

ب) منافع متحدین آمریکا و دشمنان آن در سراسر جهان، بستگی به خرید نسل‌های جدیدتری از تکنولوژی موشک‌های بالستیک و سلاح‌های کشتار جمعی خواهد داشت.

پ) دولت‌های ناراضی، تروریست‌ها، تولیدکنندگان مواد مخدر و سازمان‌های جنایی با استفاده از مزایای فضای اطلاعاتی جدید و سایر تحولاتی که در تکنولوژی به وقوع

خواهد پیوست، توانایی آن را می‌یابند که فعالیت‌های غیر قانونی خود را به نتیجه برسانند. این مسأله، امنیت و ثبات جهان را با تهدید روبرو خواهد ساخت. (همان) همچنین تهدیدی است بر امنیت آینده انقلاب اسلامی از سوی گروه‌های تروریستی ضد منافع ایران در جهان. (www.energybulletin.net)

۳. منازعات آینده در حوزه انرژی

افزایش نیاز کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه به انرژی، ممکن است فراوانی، قابل اتکا بودن و عرضه انرژی را با مشکل مواجه سازد. این وضعیت باعث افزایش تنش میان کشورهایی می‌شود که بر سر منابع محدود انرژی با هم در رقابت هستند. مخصوصاً اگر این امر همواره با آشفتگی‌های سیاسی در خاورمیانه و عدم اعتماد عمومی به توانایی بازار برای عرضه متناسب با تقاضاهای فزاینده باشد. دورنمای کاهش انرژی، کشورها را متوجه آن خواهد ساخت تا اقدامات و تدابیر لازم را در خصوص اطمینان از دستیابی به عرضه انرژی در آینده تشدید کنند. (جل دال، راهنمایی برای آشنایی با ادبیات آینده پژوهی: ۴۵) در بدترین سناریو، در صورتی که رهبران حکومتی نتوانند به منابع انرژی ضروری برای حفظ ثبات داخلی و بقای رژیم دست یابند ممکن است این امر به منازعات درون کشوری بینجامد. ملاحظات مربوط به امنیت انرژی، کشورهایی مثل چین و هند را ترغیب می‌کند تا سهام مهم میادین انرژی را خریداری کنند و رقابت‌های در حال دگرگونی، به شدت توسط توانایی‌های نظامی مورد پشتیبانی قرار می‌گیرند که این مسأله احتمال افزایش تنش‌ها و منازعات را بالا می‌برد. کشورهایی که از کمبود منابع انرژی رنج می‌برند ممکن است از انتقال تسلیحات و فناوری‌های مهم و اتحادهای سیاسی و نظامی به عنوان ابزار فشاری جهت برقراری روابط استراتژیک با کشورهای برخوردار از انرژی

استفاده کنند. (Global Trends 2025)
<http://www.energybulletin.net/node/47283>

در گزارش روندهای سال ۲۰۲۵ در خصوص جمعیت، به موضوعات دیگری اشاره شده که به مسأله جمعیتی ایران در این سال نیز اشاره دارد. اهم این موضوعات بدین شرح می‌باشد:

اگر چه روند رشد جمعیت جهانی ادامه می‌یابد و جمعیت جهان به بیش از هشت میلیارد نفر می‌رسد اما در این میان، شاهد رشد جمعیت در آسیا و آفریقا خواهیم بود. از آنجا که کشورهای توسعه یافته دارای جمعیت سالخورده زیادی خواهند بود، باعث تقویت جریان مهاجرت به این کشورها هستند. میزان رشد جمعیت ایران نیز کاهش یافته و جمعیت این کشور در سال ۲۰۲۵ به ۷۷ میلیون نفر خواهد رسید. به همین دلیل، اعتراضات سیاسی و صنفی و تعدد جوانان جویای کار به میزان زیادی در دهه بعد کاهش خواهد یافت که با نرخ کنونی در آمریکا و چین قابل مقایسه خواهد بود. (Transformed World, Op.Cit,)
(Global Trends 2025: A

۴. رشد اقتصادی

در گزارش سناریوهای سال ۲۰۲۵ سه سناریوی عمده در خصوص آینده اقتصاد در نظر گرفته شده است:

الف) ایالات متحده، چین و هند به طور فزاینده‌ای برای منابع طبیعی به رقابت می‌پردازند. همچنین در این سناریو به افزایش ترکیب بلوک‌های تجارت منطقه‌ای هم اشاره شده است.

ب) قیمت‌های بالای انرژی، رشد اقتصادی کشورها را تحت فشار قرار می‌دهد. تنش‌های داخلی در هند و چین بالا می‌گیرد و این مسأله برای تأمین انرژی نگرانی‌هایی

ایجاد می‌کند. رشد جهانی متناقض و پراکنده خواهد بود و تلاش جهانی برای استخراج منابع طبیعی صورت می‌گیرد.

ج) تسریع روند جهانی شدن همراه با تمرکز بر همگرایی تجاری چشمگیر و قوی در اطراف مرزها، باعث می‌شود تا کشورهای ثروتمند به منظور تعقیب فرصت‌های رشد و ترقی، اقدام به سرمایه‌گذاری در بازارهای نوظهور کنند. همچنین با وجود این که گاز طبیعی و نفت به بالاترین حد تولید خود می‌رسد، جریان رشد اقتصادی ادامه می‌یابد، چنان که سیاست‌ها و تکنولوژی‌های حفاظت از منابع طبیعی هم ادامه پیدا خواهد کرد. همچنین برنامه‌های توزیعی به تدریج برای جایگزینی سوخت‌های فسیلی انجام می‌پذیرد. (qe- Global Scenarios to) (2025, Op.Cit)

همچنین این گزارش دو سناریو در مورد تولید، کار و بازار سرمایه طراحی کرده است:

۱. تشکیل جریان نامطلوب کالا، مردم و سرمایه به دلیل ناکارآمدی سیستم و نگرانی‌های امنیتی، آزادسازی تجارت دو جانبه و تشکیل بلوک‌های تجارت منطقه‌ای.
۲. آزاد شدن فضای کار، تولید و سرمایه در یک فضای رقابتی در بازارهای جهان و حکمرانی بهتر و سیاست‌های سرمایه‌گذاری مؤثرتر که وضعیت کار را در LCDS بهبود و ترقی می‌دهد.

موضوع مهمی که در گزارش روندهای سال ۲۰۲۵ به آن اشاره گردیده، موضوع مراکز تولید ثروت است. طبق این گزارش، روند انتقال توانمندی و ثروت اقتصادی از غرب به شرق آغاز شده و این مسأله به دو علت اساسی صورت می‌گیرد: نخست، افزایش قیمت نفت و کالا موجب ثروت‌های بادآورده برای کشورهای حوزه خلیج فارس و روسیه می‌شود. دوم، هزینه‌های کمتر در کنار سیاست‌های دولت، امکان ساخت و خدمات صنعتی را به آسیا منتقل کرده است. پیش‌بینی رشد برای برزیل، روسیه، هند و چین نشان می‌دهد که آنها تا سال ۲۰۴۰ الی ۲۰۵۰، درصد قابل توجهی از سهم اصلی گروه هفت کشور کنونی صنعتی جهان را

از نظر تولید ناخالص داخلی به خود اختصاص می‌دهند. (Global Trends 2025: A (Transformed World, Op.Cit,

جمهوری خلق چین، بیش از هر کشور دیگری در ۲۰ سال آینده بر جهان تأثیر خواهد داشت. اگر روند کنونی ادامه داشته باشد، چین در سال ۲۰۲۵ بزرگترین اقتصاد جهان را در دست خواهد داشت و قدرت اول نظامی خواهد بود. این کشور همچنین می‌تواند بزرگترین واردکننده منابع طبیعی و آلاینده‌ترین کشور باشد.

هند نیز احتمالاً به رشد سریع اقتصادی ادامه خواهد داد و تلاش خواهد کرد در جهان چندقطبی به یکی از قطب‌های جهان بدل شود. روسیه این پتانسیل را دارد که تا سال ۲۰۲۵ ثروتمندتر، قوی‌تر و خود اکتاتر شود؛ البته در صورتی که روی سرمایه انسانی خود سرمایه‌گذاری کند و به اقتصاد خود، توسعه و تنوع بخشد و با بازارهای جهانی درهم آمیزد. از سوی دیگر اگر روسیه نتواند این کارها را انجام دهد و قیمت نفت نیز بین ۵۰ الی ۷۰ دلار باقی بماند می‌تواند با افول شدید مواجه شود. هیچ کشوری به اندازه چین، هند و روسیه امکان اوج‌گیری ندارد و بعید است هیچ کدام از این کشورها بتوانند قابلیت سلطه انفرادی بر جهان داشته باشند. به هر حال پیش بینی ما این است که شاهد قدرت‌گیری اقتصادی و قدرت دیگر کشورها مانند، اندونزی، ایران و ترکیه باشیم.

گزارش روندهای سال ۲۰۱۵ نیز به نوعی سناریوهایی را در مورد روند اقتصاد جهانی بررسی کرده است. در این گزارش آمده است: اگر چه دورنمای اقتصاد جهانی نشانگر رشد بلند مدت و با ثبات و گسترده اقتصاد جهانی است اما موانع بالقوه‌ای می‌تواند در این امر خلل ایجاد کند. مهم‌ترین این موانع عبارتند از:

الف) اقتصاد ایالات متحده از یک رکود پایدار رنج می‌برد. کسری تجاری بلند مدتی که اقتصاد ایالات متحده دچار آن شده است، باعث می‌گردد که اعتماد جهانی نسبت به رشد پایدار اقتصاد جهانی کاهش یابد.

ب) ناتوانی ژاپن و اتحادیه اروپا در مدیریت چالش جمعیتی.

ج) ناتوانی چین و هند در پایدار نگه داشتن رشد اقتصادی خود.

د) ناکامی بازارهای نوظهور در اصلاح نهادهای مالی خود.

ذ) تلفات تأمین انرژی جهانی ناشی از قطع تولید.

۵. ایدئولوژی

شبکه‌هایی که پایگاه مذهبی دارند، شبکه‌هایی ذاتی بوده و اساساً ممکن است نقش مهم‌تر و تأثیرگذارتری از گروه‌های فرا ملی سکولار در نفوذ و شکل دهی به نتایج، در دوره زمانی منتهی به سال ۲۰۲۵ داشته باشند. در حقیقت، ما می‌توانیم شاهد مقطعی از رهبری روحانیت باشیم که در آن، سران مذهبی از قدرت‌ها و عوامل اصلی در حل مناقشات و درگیری‌های آینده در سطح بین‌المللی باشند.

امتیاز ثروت در کسب قدرت و نفوذ، هم اکنون در اختیار این دسته از سران مذهبی و مبلغان مذهبی قرار گرفته است. کسانی که در دو بخش مختلف نیم کره‌های زمین، یعنی شمال و جنوب دنیا گسترش یافته‌اند. هم اکنون پایگاه اینترنتی «امیر خالد» برای مسلمانان و «ماتیو اشیمولو» از این دست به شمار می‌روند. به طوری که پایگاه اینترنتی «خالد» سومین پایگاه معروف عربی در جهان به شمار می‌رود (الجزیره در مکان اول است). (www.cic.nyu.edu/internationalsecurity/docs/NIC_Global) (Trends 2025)

لازم به ذکر است، بسیاری از روندهای اقتصادی که می‌تواند در دو دهه آینده رواج داشته باشد این پتانسیل را دارند که شکاف اجتماعی و نارضایتی مردمی، از جمله شکاف فزاینده میان فقیر و غنی و اختلاف شهرنشینی و روستانشینی در هند و چین را ایجاد کنند. فعالیت‌های مذهبی می‌تواند با تکیه بر متون مذهبی و رسوم طولانی تاریخی

شکایت مردمی را به شکل لفاظی‌های مربوط به عدالت اجتماعی و تساوی بشری هدایت کند. (Ibid, pp.73-74)

اگر رشد جهانی اقتصاد حرکت عکس شدیدی آغاز کند - مشابه آنچه که در بحران اندونزی در اواخر دهه ۱۹۹۰ پیش آمد - به طور حتم، شورش‌هایی در مناطق روستایی و شاید نزاع‌های فرقه‌ای در برخی کشورها از جمله برزیل، هند، چین و بیشتر مناطق آفریقا شکل گیرد. اگر حتی پیش‌بینی تغییرات شدید آب و هوایی، درست از آب درآید، تأثیرات آن می‌تواند مناقشه‌های مذهبی در بخش‌های بزرگی از آفریقا و آسیا به بار آورد. کشورهای مانند مصر، اندونزی و سودان که اکثریت آنها را مسلمانان تشکیل می‌دهند و دارای اقلیت‌های قابل توجه مسیحی نیز هستند، در زمره کشورهای خواهی خواهند بود که در معرض بالاترین خطر چنین مناقشات مذهبی که می‌تواند جامعه اقلیت آنها را زیر فشار قرار دهد، می‌باشند. کشورهای مانند فیلیپین و اوگاندا که اکثریت آنها را مسیحیان تشکیل می‌دهد و اقلیت قابل توجه مسلمان دارند یا مانند اتیوپی، نیجریه و تانزانیا دارای جمعیت برابر مسلمان - مسیحی هستند نیز در معرض شدید چنین خطری قرار دارند.

(www.cuttingthroughthetmatrix.com)

در گزارش روندهای سال ۲۰۲۵، بخشی هم به وضعیت مسلمانان در اروپای غربی اختصاص داده شده که بدین شرح است:

پیش‌بینی گزارش از جمعیت مسلمانان در اروپا بین پانزده تا هیجده میلیون نفر است. بیشترین میزان مسلمانان - بین شش تا هشت درصد - در فرانسه (پنج میلیون نفر) و هلند (حدود یک میلیون نفر) هستند. پس از آن کشورهایی قرار دارند که مسلمانان چهار تا شش درصد جمعیت آنها را به خود اختصاص داده‌اند، مانند آلمان (سه و نیم میلیون نفر)، دانمارک (سیصد هزار نفر)، اتریش (پانصد هزار نفر) و سوئیس (سیصد و پنجاه هزار نفر). انگلیس و ایتالیا نیز به ترتیب با یک و هشت دهم و یک میلیون نفر، جمعیت زیادی از مسلمانان را در خود جای داده‌اند.

اگر روند کنونی مهاجرت و زاد و ولد (بیشتر از میانگین) ادامه یابد، اروپای غربی تا سال ۲۰۲۵، بیست و پنج تا سی میلیون مسلمان خواهد داشت. کشورهایی که با افزایش شمار مسلمانان روبرو هستند، تغییر سریعی در ترکیب قومی خود خواهند داشت. به ویژه در حوالی نواحی شهری که به شکل بالقوه‌ای تلاش‌ها برای یکسان سازی و انسجام را مشکل می‌سازد. اگر در کنار رشد جمعیت مسلمانان عواملی چون، تبعیض کاری و معایب آموزشی اضافه گردد، احتمالاً مسلمانان زیادی را در شرایط کاری با دستمزد کم محدود می‌کند و این امر شکاف‌های قومی را عمیق می‌کند.

پیش بینی می‌شود مسایل مربوط به امور مسلمانان به کانون فزاینده توجه، تبدیل خواهد شد و شکل دهنده صحنه سیاسی جدیدی در اروپا گردد. تنش اجتماعی و سیاسی موجود درباره انسجام مسلمانان، احتمالاً سیاست‌گذاران اروپایی را به طور فزاینده‌ای به واکنش داخلی بالقوه نسبت به سیاست‌های خارجی برای خاورمیانه حساس می‌کند که این امر شامل در کنار آمریکا قرار گرفتن به صورت بسیار نزدیک در سیاست‌هایی است که طرف‌داری از اسرائیل تلقی خواهد شد. (Global Trends 2025
http://www.cic.nyu.edu/internationalsecurity/docs/NIC_)

یکی از سناریوهای عمده گزارش روندهای سال ۲۰۲۵ در نهایت به هویت اسلام می‌پردازد. بر این اساس، اسلام به عنوان هویتی قوی باقی خواهد ماند. فرقه‌گرایی و دیگر اختلاف‌ها میان اسلام منشأ تنش یا شرایطی بدتر خواهد بود. چالش فعالیت اسلامی می‌تواند واکنش‌های تند فعالیت مسیحی را به همراه داشته باشد. نیجریه، اتیوپی و دیگر مکان‌ها در آفریقا میدان نبرد فرقه‌ای خواهند بود. در سال ۲۰۲۵، نظریه همگرایی فرقه‌های متعدد و مسأله تنوع، می‌تواند ترکیبی از چالش‌ها از ملی‌گرایان، متعصبان مذهبی و شاید نسخه‌ای از مارکسیسم احیا شده یا دیگر ایدئولوژی‌های سکولار یا مربوط به

طبقات اجتماعی را به همراه داشته باشد. (همان)

۶. امنیت انرژی

مسائل مربوط به تأمین منابع در دستور کار بین‌المللی، جایگاه برجسته‌ای خواهند یافت. رشد اقتصادی غیرمترقبه که از بسیاری جهات مثبت است، بر فشارهای وارد بر برخی از منابع راهبردی مهم از جمله انرژی، ادامه خواهد داد. فناوری‌های جدید می‌تواند بار دیگر راهکارهایی تازه مانند گزینه جایگزین مناسب برای سوخت فسیلی یا ابزاری برای غلبه بر محدودیت‌های آب و غذا ارایه کنند. به هر حال، همه فناوری‌های کنونی برای جایگزینی معماری انرژی به اندازه مورد نیاز نامناسب هستند و فناوری‌های جدید انرژی احتمالاً تا سال ۲۰۲۵ از نظر اقتصادی، معتبر و همه‌گیر نخواهند بود. روند نوآوری‌های فناوری از اهمیت بالایی برخوردار است. حتی با سیاستگذاری و ارایه بودجه مناسب برای سوخت‌های بیولوژیکی، ذغال سنگ پاک یا هیدورژن، روند انتقال به استفاده از سوخت تازه، کند خواهد بود. سابقه بر این بوده است که فناوری‌های عمده تا به سازگاری کامل برسند با تأخیری همراه هستند. در بخش انرژی، مطالعات تازه نشان داده است که تقریباً بیست و پنج سال طول می‌کشد تا یک فناوری جدید تولید شده، همگانی شود. (Bell, Wendell, 1997)

با وجود آنچه که در شرایط کنونی دور از دسترس می‌رسد، نمی‌توانیم امکان این امر را رد کنیم که دوره گذار استفاده از انرژی تا سال ۲۰۲۵ پیش آید و این امر از هزینه‌های تغییرات کلی در زیرساخت‌های انرژی ممانعت به عمل می‌آورد. بالاترین احتمال برای یک دوره گذار سریع در این دوره، از منابع بهتر تجدیدپذیر مانند باد و انرژی نوری و بهبود فناوری باتری‌ها حاصل می‌شود. با وجود این فناوری‌ها، موانع هزینه‌ای زیرساختی برای طرح‌های انفرادی کمتر خواهد بود و به بسیاری از عوامل کوچک اقتصادی امکان می‌دهد

تا طرح‌های تغییر انرژی را که به طور مستقیم به منافع آنها مرتبط باشد، اجرا کنند. همچنین در گزارش روندهای سال ۲۰۲۵، موضوع مهمی تحت عنوان احتمالات نظامی شدن امنیت انرژی، مورد بررسی ویژه قرار گرفته است. این احتمال‌ها عبارتند از:

الف) کشورهایی که از منابع عمده انرژی برخوردارند از آن به‌عنوان سلاحی برای قدرت سیاسی و نفوذ استفاده کنند. (http://www.dni.gov/nic/NIC_globaltrend) (2015.html, pp.31-33)

ب) تهدیدهایی توسط تروریسم و دزدان دریایی متوجه تولید و حمل انرژی است. بیانیه علنی رهبران القاعده، حاکی از آن است که تروریست‌ها علاقمند حمله به تأسیسات نفتی خلیج فارس هستند. حفاظت از خطوط لوله انرژی، تأسیسات و در امان ماندن از حملات تروریستی، دغدغه عمده امنیتی و مأموریت ویژه نیروهای نظامی خواهد بود.

ج) ناآرامی داخلی و منازعه میان کشورهای استراتژیک تولید و صادر کننده انرژی. خشونت‌های قومی و سیاسی و اقدامات جنایی، اخیراً تهدید عمده‌ای برای تولید نفت در نیجریه بوده است (مانند تهدید اخیر در نیجریه). ناکامی کشورهای عمده تولید کننده انرژی در مهار این بحران‌ها، احتمالاً موجب دخالت نظامی قدرتهای خارجی برای ثبات عرضه انرژی شود. (Op.Cit., -qe- Global Scenarios to 2025)

د) توسعه و رشد شبکه‌های جنایتکار فراملی و امنیت انرژی. ایجاد شکاف در ساختار نظام بین‌الملل و از هم پاشیدگی آن، موضوعی است که با توسعه و رشد این شبکه‌ها، در مدیریت منابع جهان، به خصوص انرژی جهانی، بحران ایجاد می‌شود. افزایش تقاضا برای انرژی در سراسر جهان، فرصت‌های لازم را برای فرصت‌طلبان به وجود می‌آورد تا فعالیت‌های خود را از طریق رابطه مستقیم با تأمین کنندگان انرژی و سران آنها توسعه دهند. از آنجایی که تأمین انرژی، بیشتر در کشورهایی است که دارای حکومت ضعیف هستند و فساد از مدت‌ها قبل در آنجا جاری است، به سبب نبود حاکمیت قانون، احتمال نفوذ جرایم سازمان یافته در این کشورها زیاد است.

فعالیت‌های غیرقانونی جرایم سازمان یافته در بخش انرژی، به شرکت‌های صاحب نفوذ امکان می‌دهد تا از امتیازهای رقابتی ناعادلانه‌ای در بازار انرژی جهانی برخوردار باشند.

شاید احتمال رخنه شبکه‌های مجرم در بازارهای اورآسیایی در بالاترین حد باشد که در آن، جرایم سازمان یافته، بخشی نهادینه شده از محیط سیاسی و اقتصادی بوده و به مرور زمان، شخصیت‌های مجرم به صورت تجار با نفوذ و از شرکای ارزشمند مقامات فاسد این کشورها می‌شوند.

همان‌گونه که تأمین کنندگان انرژی در روسیه و اورآسیا به بازارهای عمده اروپا و آسیا دست پیدا می‌کنند، انتظار ما این است که این شبکه‌های سازمان یافته، عملیات خود را گسترش و فساد بیشتری ایجاد کرده و تدوین سیاست‌های خارجی را از جمله مزیت‌های خود قرار دهند. با گذشت زمان، با توجه به دسترسی کامل آنها به اداره‌های دولتی و اتاق‌های هیأت رئیسه شرکت‌ها، این جنایتکاران می‌توانند در موقعیتی قرار گیرند که کشور را در دست گرفته و بر اقدامات بازار، تأثیر گذارند؛ اگر نگوئیم بر سیاست‌های خارجی تأثیرگذار خواهند بود. برای بسیاری از کشورهای غنی از منابع، درآمدهای ناشی از انرژی، اساس اقتصاد کل و سیاست‌های انرژی آن کشور را تدوین می‌کند و در تصمیم‌های سیاسی نیز نقش مهمی خواهد داشت.

د) وضعیت انرژی و تغییرات آب و هوایی

وضعیت بخش انرژی تحت فشار، پیچیده‌تر شده و در موارد بسیاری توسط تغییرات آب و هوایی بدتر خواهد شد. افزایش مستمر نیاز به انرژی، تأثیر تغییرات آب و هوایی را سرعت خواهد بخشید. از سویی دیگر، کاهش بالاجبار استفاده از سوخت‌های فسیلی قبل از آماده شدن جایگزین آنها می‌تواند توسعه پایدار اقتصاد را در کشورهایی نظیر چین که هنوز صنایع آنها به سطوح عالی بهره‌وری انرژی نرسیده‌اند، تهدید کند. پیشرفت‌های تکنولوژیکی و تصمیم‌های راهبردی در جهان درباره ضایعات گازهای گلخانه‌ای در طی

پانزده سال آینده، احتمالاً این موضوع را مشخص خواهد کرد که آیا دمای زمین، بیشتر از دو درجه افزایش خواهد یافت یا نه؛ آستانه‌ای که ورای آن تأثیرات، غیرقابل مدیریت خواهند بود.

علیرغم افزایش تعداد پروژه‌های مربوط به خطوط لوله، در سال ۲۰۲۵، کشورهای آسیایی، وابسته به صدور نفت از طریق دریا توسط کشورهای تولید کننده در خاورمیانه خواهند بود. این امر باعث افزایش نگرانی‌ها درباره آینده امنیت دریایی در منطقه‌ای است که از خلیج فارس تا شرق و آسیای جنوب شرقی گسترده است.

۷. خاورمیانه

عقب‌نشینی از خاورمیانه ("بازی بزرگ" جدید)

نشانه‌هایی برای تغییر در سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه مبنی بر کاهش نیروهای این کشور وجود دارد که این علایم و نشانه‌ها در برگیرنده این موارد است:

الف) روابط با ایران که از این طرق برقرار می‌گردد:

یک. ناموجه قلمداد کردن حمله‌های یک جانبه اسرائیل در منطقه و کاهش تعهدات نظامی آمریکا در قبال اسرائیل.

دو. ابتکار آمریکا برای خروج از منطقه، نیازمند همکاری و موافقت ایران از طریق کاهش حضور نیروهای آمریکاست. همچنین مشارکت استراتژیک با هند و تمرکز بر روی آسیا، خود مستلزم موافقت آمریکایی‌ها با روابط مستحکم هند و ایران است.

ب) تجدید خشونت‌های شیعه و سنی در عراق در سطحی گسترده.

در گزارش سال ۲۰۱۵ در خصوص خاورمیانه مباحثی بیان گردیده است، از جمله:

یک. روندهای جهانی از جمله وضعیت جمعیت و منابع طبیعی و همچنین وضعیت

جهانی شدن و حاکمیت، عمدتاً برای خاورمیانه منفی است.

دو. تحلیل روند خطی، بیانگر تغییرات مثبت اندک در منطقه، افزایش جمعیت، آشوب‌های اجتماعی، افراط‌گرایی مذهبی و ایدئولوژیکی و افزایش تروریسم، هم از نظر تروریسم رژیم‌ی و هم از لحاظ حمایت از فعالیت‌های تروریستی در غرب است. سه. توسعه‌های غیر خطی، همچون افزایش اتصال به شبکه‌های جهانی یا ظهور رهبران دارای شناختی که متعهد به حکمرانی خوب هستند، ممکن است باعث تحولاتی در وضعیت برخی از کشورها گردد.

نتیجه

انقلاب اسلامی، بروز تغییرات و تحولات اساسی را در مناسبات سیاسی، فرهنگی فراهم کرد. بازتاب انقلاب در داخل و خارج، موجب شد تا دستاوردها و اهداف انقلاب بر روندهای موجود، تأثیر گذارد و عمده‌ترین عوامل تأثیر در منطقه و جهان را بازسازی و جهت تغییرات را تحت تأثیر قرار دهد. در این مقاله سعی شد تا در خصوص عمده‌ترین تحولات سیاسی که بر مناسبات اکثر کشورها و تنظیم وضعیت حاکم بر نظام بین‌الملل مؤثر بوده است، بحث و بررسی صورت گیرد.

موضوعات مهم در مقاله حاضر در چند محور بررسی شد. عمده‌ترین مسایل آینده انقلاب با تأکید بر رویکرد مبتنی بر چشم انداز بررسی شد. با این تأکید، باور اصلی این است که انقلاب اسلامی در آینده با چالش‌هایی مواجه است که ماهیت آنها از نوع چالش‌های ناشی از سه دهه تجربه انقلاب و یا چالش‌های پیش‌بینی نشده‌ای است که ماهیت منازعات آینده را ترسیم کرده و بر روند تحولات جهانی موثر خواهد بود. ماهیت هر یک از چالش‌ها و امکان‌پذیری آنها در قالب پاسخ به سؤال اصلی مقاله مورد ارزیابی قرار گرفت. یکی از نتایج مهم این است که در تحلیل تحولات و منازعات ایران در آینده، باید سیاست کلی نظام بین‌الملل و رقابت‌های منطقه‌ای و نیز تحولات داخلی کشورها را

در نظر داشت. همچنین در تحلیل آن، استراتژی هر یک از قدرت‌های رقیب در جهان و بویژه منطقه را بررسی کرد تا بر اساس آن، به تبیین ماهیت منازعات آینده انقلاب پرداخت. اما همچنان که بحث شد، این چالش‌ها می‌تواند فرصت‌های مناسبی را در آینده ایران نیز فراهم کند که لازمه آن، تبدیل چالش‌ها به فرصت تدوین استراتژی کارآمد و باور به برنامه‌ای بر اساس چشم‌انداز به آینده است. بنابراین، اگر چه ماهیت منازعات و عوامل چالش‌زا در آینده، تهدیدی برای ایران به شمار می‌آید، اما این تهدید می‌تواند با تدوین استراتژی و مدیریت راهبردی تبدیل به فرصت شود. باید توجه داشت که موقعیت مواجهه ایران با تحولات آینده از حیث امکانات و توان استراتژیک و نیز ظرفیت‌های علمی و کاربردی بالقوه متفاوت است. لذا باید با یک تفکر استراتژیکی و درک عمیق توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود، نسبت به ماهیت هر منازعه، آماده مواجهه با مسایل بود. البته باید توجه داشت که برای مواجهه با مسایل منازعه آمیز آینده، محورهای مطرح در این مقاله مورد آزمون قرار گیرد تا با ترسیم سناریوهایی برای تقابل یا تعامل با تحولات آینده مهیا شد. سپس با استفاده از روش‌های آینده‌پژوهانه، ابعاد مختلف و سناریوهای احتمالی، مشخص و با بررسی روندهای کنونی به پیش‌بینی بهترین وضعیت در آینده نایل شد. باید اذعان داشت که نمونه‌های مندرج در این مقاله از مهم‌ترین زمینه‌های چالش در آینده است که پیشنهاد می‌شود در دستور کار سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نظام قرار گیرد.

فهرست منابع

۱. اسلاتر، ریچارد و همکاران، *نو اندیشی برای هزاره نونین؛ مفاهیم، روش‌ها و ایده‌های آینده‌پژوهی*، مترجمین، عقیل ملکی فر، سیداحمد ابراهیمی، وحید وحیدی مطلق، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۸۶.
۲. دی تور، جیمز، *آینده پژوهی به عنوان دانشی کاربردی*، مترجمان، سید احمد ابراهیمی، عقیل ملکی فر، تهران، فصلنامه علمی و پژوهشی سیاست و رهیافت، شماره ۲۰.
۳. جل دال، *راهنمایی برای آشنایی با ادبیات آینده پژوهی*، ترجمه دفتر سیاست پژوهشی فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۸۳.
4. <http://www.energybulletin.net/node/47283>, Global Trends 2025
5. Global Trends 2025: A Transformed World, Op.Cit
6. qe- Global Scenarios to 2025, Op.Cit
7. http://www.cic.nyu.edu/internationalsecurity/docs/NIC_final.pdf, Global Trends 2025: A Transformed World ,
8. Bell, Wendell, Foundations of Futures Studies: Human Science for a New Era, Transaction Publishers(New Brunswick,USA and London, UK), 1997
9. http://www.dni.gov/nic/NIC_globaltrend2015.html, pp.31-33
10. Slaughter, R. New Thiking for a New Millennium, J. Dator. Chapter 4, Futures Studies as Applied Knowledge”, Routledge.1996
11. www.scribd.com/.../2025-Security-Environment-Final-Report-9-Jun08
12. http://www.cuttingthroughthematrix.com/articles/strat_trends_23jan07.pdf
13. <http://www.loyola.edu/dept/politics/intel/globaltrends2015.pdf>